



انحراف در خصوصی سازی؛ چرا و چگونه؟

زهری که به جان اقتصاد ماند

اگر قرار بود کشور عقب‌گردی به دهه هفتاد داشته باشد، آیا همچنان همین روند را در خصوصی سازی طی می‌کرد؟ کارشناسان به دفعات در مورد اشتباهات خصوصی سازی در آن دوره و ادوار پس از آن اظهارنظر کرده‌اند و به اتفاق، خصوصی سازی را در ایران ناموفق دانسته‌اند. آسیب شناسی این روند بار دیگر در میزگردی با حضور دکتر حمید حسینی، فعال اقتصادی و دکتر فرشاد فاطمی، اقتصاددان بررسی شد. دکتر فاطمی بر این باور است که پیش از خصوصی سازی، باید آزادسازی در کشور صورت می‌گرفت که این کار، زمان بر بود و انجام نشد. این اقتصاددان از منظر ملزومات اقتصادی به آسیب شناسی خصوصی سازی پرداخت و دکتر حسینی به عنوان شخصی که تجربه عینی از خصوصی سازی داشت، به این مسأله نگاه کرد. دکتر حسینی عنوان می‌کند که اگر قرار بود چنین خصوصی سازی را شاهد باشیم، بهتر بود شرکت‌ها در مالکیت دولت باقی بمانند. زیرا با خصوصی سازی ناقص، زنجیره ارزش نیز از هم پاشید و مشکلات چند برابر شد. مشروح این میزگرد را در ادامه می‌خوانید.

می‌شد و آزادسازی هم اتفاق می‌افتاد و سایرین وارد بازار می‌شدند، بدون اینکه حتی خصوصی سازی صورت بگیرد، بخش دولتی به سهم ۴۰ درصدی می‌رسید.

■ خود مسأله آزادسازی هم مسأله پرکار و زمان‌بری است.

بله؛ البته که آزادسازی خودش کار پر دردسری است. به هر حال در این راستا باید مداخلات دولت را کاهش دهیم، قیمت‌ها را آزاد بگذاریم، مجوزها را حذف کنیم. این مسیری است که آزادسازی را می‌تواند هموار کند؛ زمانی که دولت‌ها این مسیر را هموار نمی‌کنند و خصوصی سازی آنها تنها به تغییر مالکیت بنگاه‌های دولتی به سایرین ختم می‌شود، مسائلی نظیر خصوصی سازی ایران اتفاق می‌افتد. باید توجه داشته باشیم که در این فرآیند دولت درگیر می‌شود، بروکرات‌ها، کسانی که منافع دارند و بخش‌های دیگر که به اندازه دولت قدرت دارند، حضور دارند. بنابراین لزوماً مالکیت از دولت به بخش خصوصی منتقل

■ همان‌طور که هر دو عزیز مستحضر هستند، خصوصی سازی که در دهه ۷۰ در ایران آغاز شد، خصوصی سازی ناقصی بود. هرچند هدف آن تقویت و سپردن امور به بخش خصوصی واقعی بود اما بعد از گذشت بیش از ۲۰ سال همچنان شاهد خصوصی سازی با آن هدف نیستیم و این امر موفق نبوده؛ دلیل این موضوع از نظر شما چیست؟

■ **فاطمی:** واقعیت آن است که ما هر زمان به ادبیات این موضوع در علم اقتصاد می‌نگریم، هر کشوری که قصد خصوصی سازی دارد باید آزادسازی را رقم بزند؛ به این معنی که احاد اقتصادی بتوانند بدون دردسر در بازار مشارکت و سرمایه‌گذاری کنند و از نتیجه سرمایه‌گذاری‌شان بهره‌مند شوند. اگر آزادسازی اتفاق می‌افتاد، حتی نگه داشتن بنگاه‌های دولتی، به شرطی که برای بنگاه خصوصی منع ایجاد نکنند و اقتصاد هم به اندازه کافی رشد می‌کرد، هدف حاصل می‌شد. در این صورت اگر دولت در ابتدای دوره سهم ۸۰ درصدی از اقتصاد داشت و رشد اقتصادی محقق